

فروغستان: کتابی در سیاق*

ایرج افشار

سیاق و سیاق روشی است از ثبت محاسبات دیوانی و تجاری که قرون متمادی در ایران متداول بود و تا پنجاه - شصت سال پیش یگانه وسیله متعارف کار بازرگانان و منشیان و مترسلان و مستوفیان و هر کسی بود که می‌خواست ارقامی را در فرد و دفتر و دستک به ثبت در آورد.

این روش ثبت محاسبات، در امور استیفای مملکت و صدور فرامین خاص تیول و سیورغال و مستمری و صکوک و سجلات محضری و هر گونه معاملات ملکی و داد و ستد سوداگران و بازرگانان و بیاض‌ها و دستکها و کتابچه بقالان و کاسبان رواج کامل داشت و طریقه‌ای مشخص در سراسر قلمرو فرهنگی ایران و هند و ماوراءالنهر و بلاد عثمانی و احیاناً تا حدودی از قلمرو مصر می‌بود.

کلمه «سیاق» را معمولاً از ریشه عربی دانسته‌اند و آن را در لغت نامه‌ها قید کرده‌اند.

یکی از فضلا به تازگی گفته که این کلمه صورتی است تغییر یافته از کلمه

*. آینه میراث، سال ۲، شماره ۱ و ۲، صص ۴۱-۴۵.

«سایاگ» *sagha* اوستایی به معنی شماره. او به احتمال گفته است شاید در روزگار اشکانی و ساسانی به زبان ترکی راه یافته و به شکل «سایاق» تلفظ شده و این نتیجه را از استنباطات خود عرضه می‌کند که «سایاگ» در قلمرو تمدن ایرانی رواج داشته و در دوره اسلامی به مناسبت شباهت آوایی کلمه با لفظ «سیاق» عربی (به معنی روش) به این صورت و شکل اخیر به تلفظ درآمد است. ارقام و علایمی که در سیاق‌نویسی از دوره سلجوقی به بعد در نسخه‌های خطی دیده می‌شود، با کمی پس و پیشی و دگرگونی همان‌هاست که تا پنجاه - شصت سال پیش مستعمل بوده و در اوراق و اسناد و مناشیر متأخر دیده شدنی است که عبارت است از اشکال کوتاه و رمزگونه شده ثبت عدد به حروف، نه رقم.

ظاهراً همین‌گونه خطوط و ارقام در هم پیچیده (تعلیق مانند) است که به رقوم و خطوط دیوانی مشتهر می‌بوده و به طور متوازی و در همان مفهوم آنها را «رقوم سیاقی» گفته‌اند.

کلمه سیاق و سیاقیت یا برخی مصطلحات سیاق را در تعدادی از نوشته‌های تا سال هزارم هجری دیده‌ام. فهرست این مآخذ به نظم تاریخی چنین است:

- ۱- الفهرست ابن ندیم بغدادی / سال ۳۷۷ ه. ق.
- ۲- سفرنامه ناصر خسرو / سال ۴۳۷ تا ۴۴۴ ه. ق.
- ۳- تاریخ الوزراء نجم‌الدین ابوالرجاء قمی / سال ۵۸۴ ه. ق.
- ۴- راحة الصدور و آية السرور نجم‌الدین محمد بن علی راوندی / سال ۵۹۹ تا ۶۰۳ ه. ق.
- ۵- المضاف الی بدایع الازمان حمیدالدین احمد بن حامد کرمانی / سال

۶۰۳ تا ۶۱۲ هـ. ق.

- ۶- لباب الالباب سدید الدین عوفی / حدود ۶۱۸ هـ. ق.
- ۷- تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی / سال ۶۵۸ هـ. ق.
- ۸- منظومه کارنامه اوقاف تاج‌الدین نسائی / سال ۶۶۱ هـ. ق.
- ۹- شمس‌السیاق شمس‌الدین محمد صاحب دیوان / پیش از سال ۶۸۳ هـ. ق.
- ۱۰- الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه حسین بن محمد بن علی جعفری روغدی / سال ۶۸۴ هـ. ق.
- ۱۱- مجمع الآداب فی معجم الالقباب کمال الدین ابن الفوطی (۷۲۳-۶۴۲) / قرن هفتم.
- ۱۲- الفخری ابن طقطقی (متوفی ۷۰۹) / سال ۷۰۱ هـ. ق.
- ۱۳- قانون السعادة علاء‌الدین عبدالله بن علی تبریزی مشهور به خواجه عبدالله فلکی یا فلک‌علاء / حدود سال ۷۰۰ هـ. ق.
- ۱۴- سعادت‌نامه عبدالله فلکی
- ۱۵- الوقفیة الرشیدیة خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی / حدود سال ۷۱۰ هـ. ق.
- ۱۶- مسامرة الاخبار محمود بن محمد آقسرائی / ۷۲۳ هـ. ق.
- ۱۷- نسائم الاسحار من لطائم الاخبار ناصرالدین منشی کرمانی / سال ۷۲۵ هـ. ق.
- ۱۸- تاریخ گزیده حمدالله قزوینی / سال ۷۳۰ هـ. ق.
- ۱۹- نزهة القلوب همان مستوفی / حدود سال ۷۴۰ هـ. ق.

- ۲۰- نفایس الفنون فی عرایس العیون شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (متوفی در ۷۵۳) / پیش از ۷۵۳ هـ. ق.
- ۲۱- دستور الکاتب فی تعیین المراتب محمد بن هندوشاه نخجوانی / کمی پس از ۷۵۷ هـ. ق.
- ۲۲- رساله فلکیه عبدالله بن محمد بن کیا مازندرانی / حدود ۷۶۲ هـ. ق.
- ۲۳- بیاض تاج‌الدین احمد وزیر / سال ۷۸۲ هـ. ق.
- ۲۴- مفتاح الحساب غیاث‌الدین جمشید کاشانی / حدود ۸۲۰ هـ. ق.
- ۲۵- شمس‌السیاقه منصور بن محمد بن محمد بن علی شیرازی / سال ۸۲۴ هـ. ق.
- ۲۶- رساله ترکی عبدی بن محمود بن عبدالجبار / پس از ۸۴۲ هـ. ق.
- ۲۷- تاریخ یزد جعفر بن محمد بن حسن جعفری / حدود ۸۴۵ هـ. ق.
- ۲۸- مطلع سعدین و مجمع بحرین عبدالرزاق سمرقندی / سال ۸۸۰ هـ. ق.
- ۲۹- آثار الوزراء سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی / ۸۸۳ هـ. ق.
- ۳۰- نامه‌های قاضی میرحسین بن معین‌الدین میدی / پیش از ۹۱۱ هـ. ق.
- ۳۱- تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی / ۸۹۲ هـ. ق.
- ۳۲- دستور الوزراء خواندمیر / سال ۹۱۵ هـ. ق.
- ۳۳- حبیب‌السیر همو
- ۳۴- سواد الخط منسوب به مجنون رفیقی / پس از ۹۲۶ هـ. ق.
- ۳۵- بابرنامه‌ی ظهیرالدین محمد بابر / سال ۹۳۶ هـ. ق.
- ۳۶- رساله سیاق غیاث‌الدین ابواسحق محمد عاشقی کرمانی / سال ۹۵۱ هـ. ق.

۳۷- قصیده‌ای از شاعری با تخلص حسابی / حدود ۹۶۰ ه. ق.

با توجه به منقولات این متون کاملاً روشن است که صناعت سیاق (فن سیاق‌نویسی) در امور استیفای مملکتی و محاسبات دیوانی از قرون اولای اسلامی مرسوم بوده و مطلعان بر آن اسلوب مرتبتی والا داشته‌اند و فن استیفا و سیاق لازم و ملزوم به یکدیگر می‌بوده است.

اصطلاحات خاص سیاق را بعضی از شاعران هم در ابیات خویش آورده و براساس آنها مضمون‌پردازی کرده‌اند. همین مضامین دلالت دارد که سیاق در زندگی عمومی و فرهنگی مقام شاخصی داشته است.

ابیاتی چند به طور مثال نقل می‌شود:

کرده ترجیع «حشو» اشعارت

«بارز» صیت دیگران «ترقین» ...

ور قلم در جهان کشد قهرش

«بارز» ک... را دهد «ترقین»

(انوری ابیوردی)

تو چون میانه‌ای و دیگران همه چو درر

تو چون «فذلکی» و دیگران همه چو شمار

(قطران تبریزی)

ای آمده از خلد به خوبی مددت

بس زود «فذلک» آمد اندر عددت

چندان که «فذلک» جهان می‌نگرم

«بارز» همه عشرت است و باقی «حشو» است

(عبید زاکانی)

دین و دنیا ازو دو «من ذلک»

رقبه او رقاب را مالک

(اوحدی مراغه‌ای)

تا توانی منما مشق سیاق

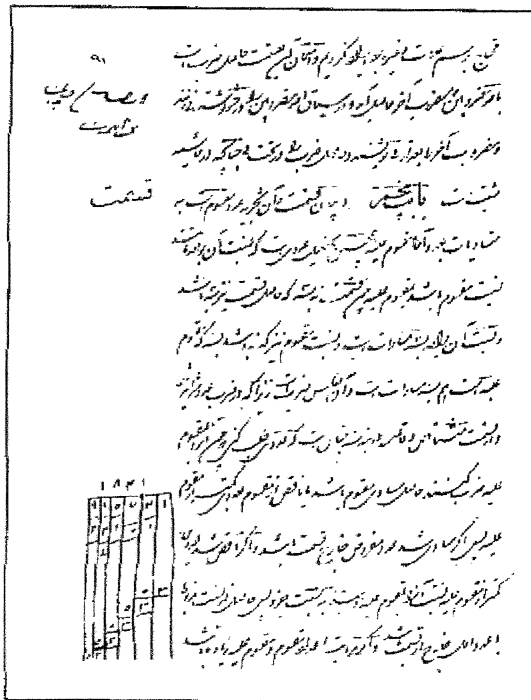
که در او نیست نشان اشفاق

ارقام در خط سیاق، رمزگونه‌ای است بر گرفته از کلمات عربی آن ارقام. یعنی نام حروفی هر یک از ارقام و اعداد به صورتی تلخیص شده درآمده و در ثبت و ضبط به کار رفته است. چنان که ادوارد براون متذکر شده است. همانندی دارد با هزوارش پهلوی. شاید سبب این که کلمات عربی را درین طریقه به کار برده‌اند، از لحاظ مهجور و نامفهوم بودن آن الفاظ بر عامه مردم - که عربی نمی‌دانسته‌اند - می‌بوده است. یعنی همان کاری را انجام داده‌اند که منشیان و محضرنویسان معمولاً نسبت به اسامی جغرافیایی عملی کرده‌اند و نمی‌خواسته‌اند از کلمات متداول عامه استفاده کنند.

در ارقام سیاقی، طی هشت - نه قرنی که نمونه‌هایشان بر جای مانده، تغییر بسیار روی نداده است. همان‌طور که خط فارسی به تدریج راه روشنی و زیبایی را در نور دیده است، خطوط سیاقی هم از پیچیدگی تعلیق واره خود کمی به جانب پیراستگی و آراستگی گراییده است. ناگفته نگذاریم که میان ارقام سیاق‌نویسی ایرانیان و عثمانیان و هندیان تفاوت‌هایی وجود دارد.

قدیمی‌ترین متون آموزشی سیاق بازمانده از دوره ایلخانان است

(سعادت‌نامه - قانون السَّعادة - فلکیه - صاحبه - شمس‌السیاق). از دوره تیموریان نیز نمونه‌هایی بر جای مانده است. در قرون دوازدهم و سیزدهم، هم در ایران و هم در هند، تعداد زیادی کتاب در فن آموزش سیاق تألیف شده است. سیاق‌نویسی و طریقه محاسبه آن و اسلوب دفتری که ارقام بدان نوشته می‌شد و بالاخره دست‌یابی به رموز و پیچیدگی‌هایی که داشت، فنی بود که می‌بایست به اسلوب آموخت. مستوفیان و لشکرنویسان بودند که به «چم و خم» آن وقوف کامل داشتند. حتی در آن دفاتر، منشآت‌قلبات و تصرفاتی می‌شدند، به همین ملاحظه به طعنه آنان را «درازنویسان» می‌گفتند.



صفحه‌ای از فروغستان نسخه سپهسالار

«سیاهه‌نویسی» اصطلاح دیگری بود که گاهی مفهوم سیاق‌نویسی از آن خواسته می‌شد.

برای آن که همگان به آسانی و روانی بتوانند بر محاسبات دست داشته باشند، اصول ثبت دفاتر محاسباتی از اوایل مشروطیت به ارقام هندی تبدیل صورت یافت.

نکته‌ای که لازم است بدان توجه کرد، این است که اصطلاح سیاق هم بر خود ارقام نمادین و رمزی اطلاق می‌شد و هم به اسلوب ثبت محاسبات و تقسیم‌بندی موارد به حروف و دفعه و طریقه ستون‌بندی مطالب که در آن گونه تبویب و تقسیم رعایت می‌شد.

سیاق‌نویسی از لوازم علم استیفا، ترسل و انشاء و کار دبیران و مستوفیان بود. ظاهراً ریاضی‌دانانی که عالم بر علم حساب می‌بودند، «سیاق‌نویسی» را علم نمی‌دانستند و مرتبت پست‌تری برای سیاق‌نویسی از حساب دانی قائل بوده‌اند. به همین ملاحظه است (شاید) که در متون حساب قدیم مانند شعارنامه طبری - مفتاح المعاملات - لبّ الحساب - مفتاح الحساب کاشی - میزان الحساب قوشچی - خلاصه الحساب شیخ بهایی، فصلی به طریقه سیاق‌نویسی تخصیص نیافته است. غیاث‌الدین جمشید کاشی در مفتاح الحساب آن را به «عامه» انتساب داده است.

درباره گذشته سیاق‌نویسی و گذراندن دوره تحول - یعنی رسیدن به روزگار عددنویسی - منابعی چند هست که مشروح‌تر از همه نوشته‌های عبدالله مستوفی در کتاب ممتاز شرح زندگانی من است. او در آنجا سیاق‌نویسی را به اصطلاح طعنه‌آمیز متجددین «درازنویسی» یاد کرده است. جز آن دکتر محمد

مصدق در کتاب اصول قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران، ضمن فصل «تهیه و تصویب کتابچه دستورالعمل قبل از مشروطیت» انواع دفاتر مرسوم آن عهد را معرفی کرده است. همچنین باید به کتاب دمورنی فرانسوی مستشار مالی ایران نگاه کرد.

سیاق فنی است که دانستن آن برای بررسی و بازشناسی مقداری از منابع تاریخی دست اول مانند قباله‌های ملکی، اوراق محاسباتی، بنیچه‌ها، کتابچه‌های دستورالعمل و جمع و خرج، صکوک، وقفنامه‌ها، بیجک‌ها، قبض‌ها، برات‌ها، تمسک‌ها و اسناد دیگر ازین دست ضرورت دارد.

چون هفتاد سال پیش می‌گذرد که کتابی مربوط به این فن به چاپ نرسیده است و متنی که بروشنی و آسانی گره کارها را بگشاید در دست نیست، به چاپ رسانیدن یکی از متون آموزشی این فن فراموش شده، لازم دانسته شد. پس درصدد برآمدم از میان متن‌های موجود یکی را که جامع‌تر، مناسب‌تر و در ضمن تاکنون چاپ نشده مانده است برگزینم و به چاپ برسانم.

با توجه به این که کتاب مشهور بحر الجواهر فی علم الدفاتر تألیف عبدالوهاب شهشهبانی چندین بار در دوره رواج کارآمدی سیاق نویسی چاپ شده است و نسخه چاپی‌اش را اینجا و آنجا می‌توان یافت، و متون بازمانده از عهد ایلخانی و تیموری بیشتر برای تحقیق در مدارک آن دوران‌ها مفید است. نه مأخذ روزگار قاجار. پس کتاب فروغستان را که از نگارش‌های مهم در رشته سیاق و مباحث مربوط بدان و دامنه‌دارتر و بسیطر از کتب دیگر است، برگزیدم.

فروغستان تألیف فروغ‌الدین محمد مهدی اصفهانی، یکی از مستوفیان فاضل و شاعری ادیب، در روزگار عباس میرزا نایب‌السلطنه و قائم مقام فراهانی

است. و او قسمتی از دوران پادشاهی ناصرالدین شاه را نیز درک کرد و بنا به نوشته اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار: «از فضیلتی معتبر این عصر است و با منصب استیفای دیوان اعلی غالباً به تألیف رسایل و نظم اشعار روزگار می‌گذرانید و فروغ تخلص می‌کرد.»

پدر فروغ موسوم به محمد باقر و متخلص به بهجت از مردم اصفهان، ادیب و شاعر و مستوفی بود و به طوری که در همین کتاب فروغستان می‌بینیم، در دستگاه عباس میرزا نایب‌السلطنه سمت استیفا داشت.

میرزا محمد باقر به استناد نوشته هدایت در مجمع الفصحاء، مستوفی بیوتات و قورخانه و آتسخانه نواب شاهزاده اعظم و ولیعهد معظم عباس میرزا بوده و در دوره محمد شاه هم زنده بود. در این دوره مدح منوچهرخان معتمدالدوله گرجی را کرده است (مدایح المعتمدیه) غالب مراجع ادبی مهارت او را در خط نستعلیق متذکر شده‌اند.

فروغ متولد سال ۱۲۲۳ قمری در تبریز است و چون دوره تحصیل را گذرانید - بنا به نوشته دیوان بیگی - به کتابداری نزد قائم مقام برگزیده شد و در آنجا با ادبا و شعرا حشر و نشر پیدا کرد. چون پدرش در گذشت، به منصب استیفای خاص و تحریر رسایل (نامه‌نگاری) قائم مقام و انشا خطبه برگمارده شد. به قول دیوان بیگی «یک نوع وزارت علوم» یافت.

فروغ بنا به ذکر هدایت از ملتزمین و مقربین فریدون میرزا، پسر ارشد عباس میرزا نایب‌السلطنه بود. فریدون میرزا خود شاهزاده‌ای فاضل و شاعر بود و در شعر «فرخ» تخلص می‌کرد. به همین ملاحظه بود که فروغ به «فروغ فرخی» معنون شده بود. سمت فروغ در دوره خدمت در دستگاه عباس میرزا «استیفای

خاص» بود و همین کار را در آغاز دوره محمد شاه نیز ادامه داد. ولی از ابتدای سلطنت این پادشاه به مأموریت فارس منتقل شد و در آنجا چنان که دیوان بیگی نوشته است، مداخل خوب کرد. بعد از مدتی که به تهران احضار شد، با دست پر بیامد. ولی چون به خدمتی مأمور نشد و مواجب به مخارج وفا نمی‌کرد، خالی از بسط ید هم نبود بلکه بیشتر به عشرت و لهو میل داشت، اندوخته‌ها را تلف کرد و کارش به عسرت کشید. تا انقضای زمان محمدشاه و اوایل سلطنت سلطان عهد پریشان بود. در صدارت میرزا آقاخان باز کوکب بختش ترقی نمود و در کار آمده بود تا بدرود جهان نمود. رحلتش بعد از سال ۱۲۷۴ است.

فروغ در دوران خدمت، استیفای مأموریت‌های دیگر یافت، از جمله سفری برای محاسبه قراجه داغ بدان ناحیت اعزام شد. قطعه‌ای در آن باره سروده است که در مجمع الفصحا درج است. همچنین از همان مرجع بر می‌آید که سفری در معیت فریدون میرزا به گرگان رفته است.

فروغ زمانی که در دوره اقامت تهران داشت، (به گفته رضاقلی خان هدایت که با او دوستی و حشر و نشر داشت) در منصب «استیفا و سررشته‌داری معاملات دیوانی» خدمت می‌کرد و در مدیح شاه و رجال شعر می‌پرداخت. از چند قصیده و قطعه‌ای که در مدح ناصرالدین شاه دارد، ابیاتی در مجمع الفصحا نقل شده است.

وفات فروغ را دیوان بیگی در حدیقه الشعرا (حدود ۱۳۱۰) بعد از هزار و دویست و هفتاد و چهار نوشته است. ولی هدایت در مجمع الفصحا - تألیف سال ۱۲۸۴ قمری - به عبارتی از فروغ یاد کرده است که معلوم می‌شود در آن اوقات در حیات بوده است. زیرا می‌نویسد «اکنون نیز در دیوان اقدس همایون

به منصب استیفا... می‌پردازد. الحاصل دبیری است سحرنگار...» بنابراین شاید سال مذکور هزار و دویست و هشتاد و چهار درست باشد. بنا به استنباط ابن یوسف حدایق در فهرست مدرسه سپهسالار، براساس مضامین نامه‌ای از «فروغ» مشرب مذهبی او پیروی از شیخ احمد احسایی بوده است.

از نویسندگان مراجع عصر اخیر، معلم حبیب‌آبادی در مکارم الآثار، وفات فروغ را در شصت و شش سالگی به سال ۱۲۸۹ نوشته است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه حدود سال ۱۲۹۳ را به استنباط از مجمع الفصحاء آورده است. ابن یوسف حدایق شیرازی در فهرست مدرسه سپهسالار و مدرس تبریزی در ریحانة الادب و احمد گلچین معانی در شهر آشوب در شعر فارسی، متذکر سال وفات او نشده‌اند. علینقی منزوی در فهرست کتابخانه اهدایی محمد مشکوة توجه داده است که فروغ تا سال ۱۲۸۲ زنده بوده است.

مؤلفات فروغ

۱- تذكرة الشباب، کتابی است که نخست رضاقلی خان هدایت آن را یاد کرده و نوشته است: «نامه‌های تازی و پارسی و قصیده‌های عربی و عجمی نگاشته که غالباً در تذكرة الشباب که محتوی بر حالات اوست، مسطور است...»

۲- تقصارة النحور، منظومه‌ای است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی نگاه‌داری می‌شود.

۳- دیوان اشعار، چهار نسخه از دیوان او شناخته شده و نمونه‌هایی هم در مجمع الفصحاه و حدیقة الشعرا نقل شده است.

۴- ریاض الصفا فی مشاهیر الرجال و النساء، کتابی است در سه باب. باب اولش در احوال کسانی است که به نام مشهورند. ابتدای آن به زبان عربی است.

۵- صحایف العالم، کتابی است که جزیی از آن باقی و ظاهراً در پنج صحیفه بوده است. نام آن در متن فروغستان آمده و نخستین بار در مراجع رضاقلی هدایت در مجمع الفصحا (قبل از ۱۲۹۵) از آن یاد کرده و گفته است که در پنج صحیفه و بالغ بر دویست هزار بیت (سطر) بوده است.

اجزایی از آن که شناسانده شده عبارت است از:

الف. اوراقی و اطلاعاتی از مقدمات صحایف عالم.

ب. قسمتی از صحیفه اول آن به عنوان «طایفه دوم»

ج. نسخه‌ای از صحیفه دوم مربوط به احوال قایم مقام فراهانی که چون عنوان مآثر المعاصرین دارد، جداگانه معرفی کرده‌ام.

د. نسخه‌ای از صحیفه سوم (ثالثه) در بیان مثنوی و منظوم مؤلف، حاوی خطبه‌های اعیاد و ایام عاشورا و مراسم دیگر و قصاید عربی و فارسی.

ه. نسخه‌ای از صحیفه پنجم.

۶- فرخ کلام، منظومه‌ای در نحو عربی است که آن را به نام فریدون میرزا متخلص به فرخ (فرزند ارشد نایب السلطنه) سروده.

۷- فروغستان، کتابی است در علم استیفا و سیاق‌نویسی.

۸- مآثر المعاصرین، صحیفه دویم در احوال قایم مقام. این کتاب را نباید کتاب مستقلی دانست. این طور استنباط می‌شود که جزیی از کتاب صحایب العالم اوست و بر صحیفه دوم آن عنوان خاص مآثر المعاصرین گذاشته است. مهمترین تألیف فروغ اصفهانی، کتاب فروغستان اوست. این کتاب در

۱. فروغستان به تصحیح این جانب به زودی از سوی مرکز نشر میراث مکتوب منتشر می‌شود.

قلمرو فن سیاق و محاسبات دیوانی، و مباحثی است مانند شناخت اوقات و اعیاد و مقیاس‌های زمانی و مکانی و آنچه با علم استیفا و امور خالصجات و مالیات و خراج دولتی مرتبط می‌شده است.

فروغ کتاب را در خطبه‌اش به نام حاجی میرزا آقاسی مصدر ساخته و در سال ۱۲۵۸ از تألیف آن فارغ شده است.

بخش‌بندی کتاب در نسخه‌های موجود دو گونه است، در یکی از نسخه‌ها آن را بر سه دفتر تقسیم کرده، ولی در تحریری اجزای کتاب را در چهار دفتر نام برده است. اگرچه در هر دو تحریر، فقط دفتر اول از سه (یا چهار) دفتر آمده و ظاهر امر این است که به تألیف دفاتر دیگر توفیق پیدا نکرده بود. آنچه مسلم است اینکه در نسخه‌های موجود فقط دفتر اول کتاب وجود دارد.

تبویب مندرجات فروغستان چنین است:

دفتر اول، علم سیاق و حساب و مساحت (آنچه اکنون موجود است).
دفتر دوم، در بیان ولایات محروسه و تعیین حدود و ثغور آنها و تشخیص مال و خراجات و جزو جمع ولایات و خصوصیات هر ولایت (دریغا که موجود نیست)

دفتر سوم، در بیان خالصجات و موقوفات ولایات و تشخیص تکایا و مدارس... به انضمام معادن و قنوات و انهار و خانات... (دریغا که موجود نیست)

نسخه‌های فروغستان

۱- نسخه آهی - این نسخه به خط نسخ (۱۲۲ برگ) مورخ پنجم رمضان ۱۲۵۹ از آن مرحوم مجید آهی که از رجال سیاست و قضا بود و در سال ۱۳۳۵ به استنساخ آن پرداختم. زیرا قصدم بر آن بود که در فرهنگ ایران زمین به چاپ

برسانم.

۲- نسخه ملی - این نسخه که در کتابخانه ملی نگاهداری می‌شود، به خط نستعلیق و مورخ ۱۲ صفر ۱۲۵۹ است.

۳- نسخه سپهسالار - این نسخه به خط شکسته نستعلیق از آن مجموعه وقفی سپهسالار است و از حیث عبارات و بعضی مطالب اضافی با نسخه اساس (آهی) تفاوت‌هایی دارد.

۴- نسخه دانشگاه - این نسخه که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود، پیش از آن متعلق به مرحوم سعید نفیسی بود.

۵- نسخه ملک (۱) - این نسخه که متعلق به کتابخانه ملی ملک (تهران) به خط نستعلیق است، همسانی دارد. با نسخه سپهسالار، در آن ذکر چهار دفتر شده است.

نسخه ملک (۲) - این نسخه از آن همان کتابخانه و به خط نستعلیق است.